

بررسی جامعه‌شناختی فاکتورهای زمینه‌ساز خانواده و مدرسه در
گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر

**A Sociological Study of Base Factors of Family and School
in the Tendency of Teenage Girls toward Sexually Deviant
Behavior and Addiction**

A. Aminian, M. A. ✉

✉ اعظم امینیان

کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

S. M. Seyed Mirzayi, Ph.D.

دکتر سیدمحمد سید میرزایی

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۴
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۵/۹
پذیرش مقاله: ۸۹/۷/۲۷

Abstract

Nowadays, teenagers' abnormal behavior is an important problem in the field of pathology. Family plays an important role in the society's institutions. It internalizes conformity with social norms, acceptable in the society, in children and teenagers through the establishment of educational and behavioral models. If families can't transfer to and institutionalize in their children these social norms, their

چکیده:

رفتارهای نابهنجار نوجوانان، امروزه مسئله عمده‌ای در حوزه آسیب‌شناسی به شمار می‌رود. خانواده جایگاه مهمی را در چارچوب نهادهای جامعه دارد که از طریق پایه‌ریزی الگوهای تربیتی و رفتاری خود، هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی مورد پذیرش جامعه را در کودکان و نوجوانان درونی می‌سازد. هم‌چنین نقش مدرسه در انتقال هنجارها و ارزش‌های مورد قبول در جامعه، بر همگان آشکار است. تعلقات خاطر نوجوانان نسبت به مدرسه و مشارکت

✉Corresponding author: Dept. of Sociology, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Tel: +9809155216645
Email: aminiyan_ma_o2@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی
تلفن: ۰۹۱۵۵۲۱۶۶۴۵
پست الکترونیکی: aminiyan_ma_o2@yahoo.com

children's behaviors will not be in conformity with established social norms, and will hence be considered abnormal. The role of schools is evident in transferring acceptable social norms and values. Teenagers' affiliation with schools, and their participation in school activities are important factors in their deviant behavior.

This research is an attempt to review and study different approaches, but mainly the sociological approach, in this field. It uses the survey method, randomly choosing 426 teenage girl students between 14 and 18 years of age in the city of Tehran to study a sample of Iranian society. Applying the multivariable regression method, the research shows that each one of these variables would separately have a noticeable effect on research dependent variables. As a whole, most of the independent variables had significant relations with the dependent variables. Therefore, the research model was confirmed by the results of the study.

KeyWords: family, school, teenage girls, tendency to deviant behavior.

آنان در فعالیتهای مدرسه، از عوامل مؤثر بر کژرفتاری نوجوانان است. بر این اساس و با توجه به نقش حائز اهمیت دو نهاد مذکور، هدف اصلی این تحقیق، شناخت میزان اثر نهادهای خانواده و مدرسه بر گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر در میان دختران نوجوان می‌باشد.

پژوهش حاضر سعی نموده است ضمن مرور و توجه به رویکردهای مختلف این حوزه، با رویکردی جامعه‌شناختی و با روش پیمایش (انتخاب ۴۲۶ نفر از دانش‌آموزان نوجوان دختر ۱۴ تا ۱۸ سال در تهران بزرگ)، نمونه‌ای از جامعه ایران را مورد مطالعه قرار دهد. برای تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که فاکتورها و متغیرهای خانواده و مدرسه هر کدام به‌طور مجزا بر متغیرهای وابسته تحقیق، اثرات قابل توجهی دارند. در مجموع، میان اکثر متغیرهای مستقل تحقیق با متغیرهای وابسته مورد نظر، رابطه معناداری مشاهده شد و بنابراین، نتایج حاصل از آزمون‌های رگرسیونی، مدل نظری تحقیق را تأیید نمود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مدرسه، دختران نوجوان، گرایش به کژرفتاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

در این پژوهش، سعی بر آن است به مدد بهره‌گیری از مباحث اساسی مطرح در نظریات مختلف مربوط به کژرفتاری، مقایسه تئوری‌ها و تلفیق برخی نظریات مطرح شده، به یک الگوی جامع و قابل اجرا در شرایط کنونی جامعه ایران برسیم. بنابراین در ابتدا نقش بازدارندگی دو نهاد خانواده و مدرسه در گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری‌های اجتماعی - با تأکید بر کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر - مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس مهم‌ترین فرصت‌های موجود در این دو نهاد و

میزان تأثیرگذاری هر یک از آن‌ها بر متغیرهای وابسته مورد نظر در این پژوهش، هم‌چنین میزان اثر هر یک از نیازهای اساسی پاسخ داده شده دختران نوجوان، در خانواده و مدرسه - با توجه به امکانات موجود و توان محقق - شناسایی گردیده و در صورت امکان، به مقایسه این فرصت‌ها و نیازها در خانواده و مدرسه و در میان قشر مورد بررسی، پرداخته می‌شود.

این تحقیق بر اساس نظریه عمومی کثرتفارتی اجتماعی که توسط چلبی تدوین یافته است، استوار می‌باشد. چلبی با استعانت از چهار سازه اصلی، یک نظریه عمومی در حوزه انحرافات اجتماعی مطرح می‌کند. این چهار سازه محوری عبارتند از: نیاز، انتظار اجتماعی، فرصت و معنا. مدعای اصلی اندیشه مزبور این است که هر نوع رفتار کنشگر، اعم از فردی و جمعی، در هر سطح و هر حوزه‌ای، به کم و کیف و آرایش فرصت، نیاز، انتظار و معنا وابسته است. چلبی رابطه رفتار را با چهار سازه مزبور به شکل تابع کلی مقابل تدوین کرده است: (معنا، انتظار، نیاز، فرصت) $f =$ رفتار (چلبی؛ ۱۳۸۵: ۹۹ و ۱۰۰). آن‌چه در این تابع به عنوان متغیر وابسته مدنظر است، کثرتفارتی است. منظور از کثرتفارتی اجتماعی، هرگونه رفتاری است که از دایره شمول اخلاقی جامعه خارج باشد (همان: ۱۰۱).

یک مسئله حائز اهمیت و لازم به ذکر در این پژوهش آن است که با توجه به توان محقق و نیز امکانات موجود و در دسترس برای بررسی موضوع مورد بحث - کثرتفارتی جنسی و اعتیاد به مواد مخدر نوجوانان دختر-، هم‌چنین به جهت پیشگیری از گستردگی حوزه مدل نظری و فرضیات تحقیق که از یکسو پیچیدگی مدل و از سوی دیگر تقلیل امکان بررسی کنکاشانه مسئله تحقیق را به همراه دارد، از نظریه و مدل تئوریک کثرتفارتی اجتماعی چلبی، دو سازه محوری فرصت و نیاز، انتخاب و مورد توجه و تدقیق قرار گرفته‌اند:

فرصت

چلبی، برای فرصت‌ها چهار بعد اصلی قائل شده است که عبارتند از: الف) فرصت‌های مادی، ب) فرصت‌های سیاسی، ج) فرصت‌های رابطه‌ای، د) فرصت‌های فرهنگی.

فرصت مادی: در این تحقیق، مواهب اقتصادی فرصت‌های مادی مدنظر است که شامل شغل و ابزارهای مادی زندگی (غذا، پوشاک، مسکن ...) می‌شود (همان: ۱۰۳). با توجه به هدف این تحقیق و جامعه آماری مورد سنجش در آن، از متغیر ابزارهای مادی زندگی استفاده شده است. مراد از ابزارهای مادی زندگی، دارا بودن یا نبودن فرد از امکانات آموزشی و تفریحی - فراغتی و ابزارهای معیشتی زندگی است.

فرصت سیاسی: نظارت بیرونی را ممکن است به عنوان نوعی فرصت سیاسی قلمداد کرد. نظارت بیرونی به عنوان یک فرصت، ممکن است اشکال مختلفی به خود گیرد. مؤثرترین آن‌ها نظارت بیرونی خانواده است که به دنبال آن گروه‌های اولیه در یک طرف طیف قرار می‌گیرند که بیش‌تر صبغه اجتماعی دارد (همان: ۱۱۰ و ۱۱۱). افراد باید به نوعی احساس کنند که تحت نظارت خانواده، دوستان، گروه شغلی و پلیس قرار دارند. اگر نظارت بیرونی کم باشد، احتمال کژرفتاری‌ها بالا می‌رود و اگر این نظارت خیلی هم زیاد باشد، سبب نوعی اختلال در رفتار می‌گردد (جلیلی صالح؛ ۱۳۸۱: ۹۶). نظارت بیرونی، مکمل نظارت درونی (یعنی نظارت هنجاری و اخلاقی) است. بدیهی است هر چه نظارت درونی بیش‌تر باشد، نیاز به نظارت بیرونی، کم‌تر خواهد بود (جلیبی؛ ۱۳۸۵: ۱۱۰ و ۱۱۱).

فرصت‌های اجتماعی (رابطه‌ای): چنان‌که چلبی در تشریح این نوع از فرصت‌ها گفته است، فرصت‌های اجتماعی، در معنای محدود، امکان برقراری رابطه اجتماعی با دیگری‌اند (همان: ۱۱۱). رابطه اجتماعی رکن اصلی «ما» و اجتماع است. بدون رابطه اجتماعی، وجود «ما» و اجتماع و بالطبع جامعه غیرقابل تصور است. یک نوع از فرصت‌های رابطه‌ای مطرح در این تئوری، روابط اولیه (خانوادگی، دوستی، مذهبی، قومی ...) است. روابط اولیه یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اجتماعی برای فردند. روابط اولیه نوعاً گرم، انتشاری، مصرفی و عموماً بر اساس پیوندهای قوی استوارند (همان: ۱۱۲). به عقیده چلبی، با ضعیف شدن گروه‌های اولیه، به ویژه خانواده، شرایط و عوامل تسهیل‌کننده کژرفتاری اجتماعی فراهم می‌شود. وی گروه‌های اولیه را با چند ویژگی و خصوصیت بارز توصیف می‌کند. یکی از این ویژگی‌ها، وجود دلبستگی و تعلق خاطر میان اعضای این گروه می‌باشد. (همان: ۱۱۳). هم‌چنین وابستگی عاطفی، تولید تعهد می‌کند؛ و تعهد و علاقه اجتماعی نیز عناصر اصلی تشکیل‌دهنده هنجارهای اجتماعی و اخلاقی هستند (چلبی؛ ۱۳۸۴: ۱۰۱).

چلبی می‌گوید منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئون مختلف زندگی اجتماعی است (همان: ۱۵۸).

رابطه اجتماعی، رکن اصلی ما و اجتماع است. بدون رابطه اجتماعی، وجود ماها و اجتماع و بالطبع جامعه، غیرقابل تصور است (همان: ۱۴۷). روابط گرم یا روابط با صبغه عاطفی مثبت، پایه و مایه اجتماع و جامعه است (همان: ۱۵۷).

با توجه به آن‌چه مختصراً گفته شد، در باب فرصت‌های اجتماعی (فرصت‌های رابطه‌ای) کانون توجه این پژوهش بر نوع و کیفیت روابط اولیه نوجوان در خانواده و مدرسه - که یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اجتماعی برای فرد محسوب می‌شود - می‌باشد؛ و منظور از روابط اولیه: میزان تأیید اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه، و میزان عزت نفس وی که پیامد تأیید اجتماعی اوست؛ میزان تعلق اجتماعی نوجوان به خانواده و مدرسه، که بر میزان تعهد وی به این نهادها تأثیر می‌گذارد؛

چگونگی حمایت اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه. حمایت اجتماعی در این مطالعه به سه دسته حمایت عاطفی، حمایت فکری و حمایت مالی تقسیم شده است؛ میزان و نحوه اثر رابطه اجتماعی نوجوان با نهادهای خانواده و مدرسه، می‌باشد.

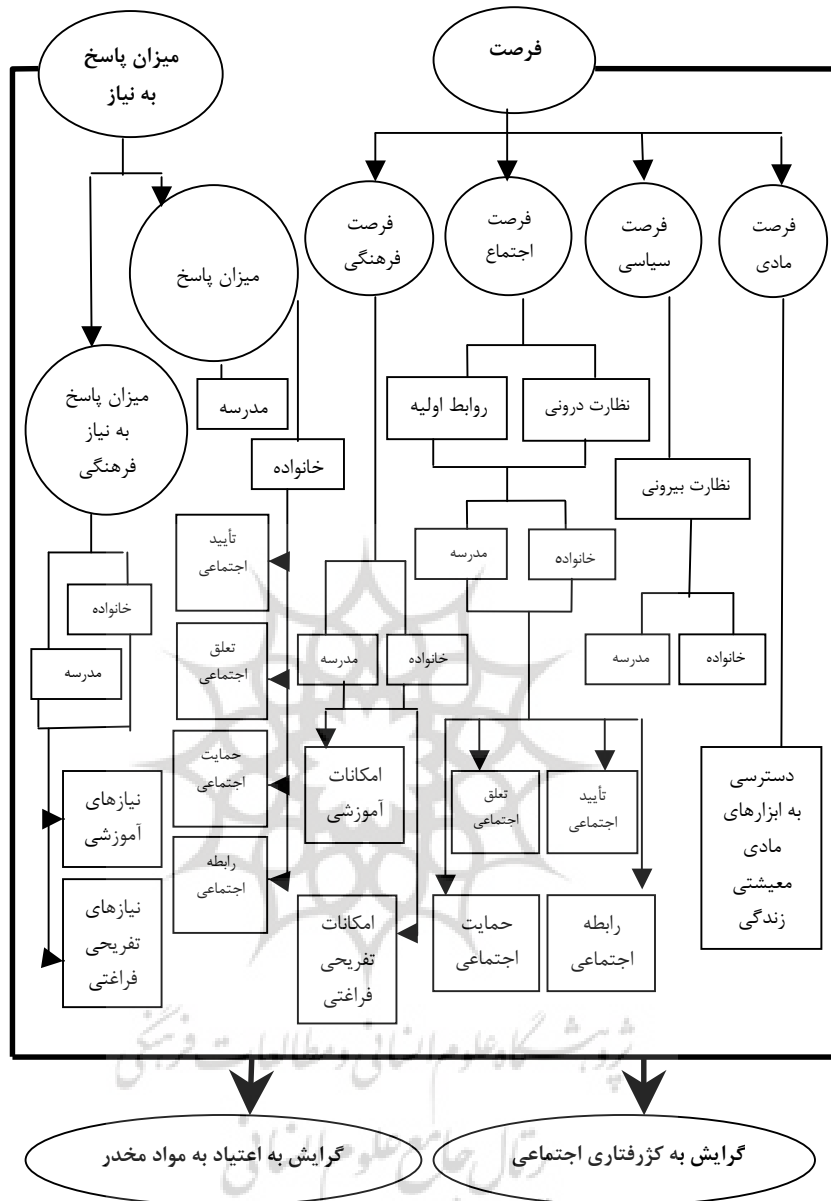
هم‌چنین در این مطالعه، در کنار روابط اولیه به عنوان یک فرصت اجتماعی، متغیر مهم و اساسی نظارت درونی فرد که به احتمال قوی بر کثرتاری نوجوان اثرگذار است، مورد توجه و نحوه اثر آن مورد سنجش قرار گرفته است. از آن‌جا که متغیر نظارت درونی، در معنای وسیع آن به گفته چلبی، سطح آستانه پرهیزکاری (اخلاقی) و نیز میزان رشد شخصیتی فرد را در بر می‌گیرد، و با توجه به این‌که بررسی دقیق این ابعاد، خود انجام کار پژوهشی مستقلی را می‌طلبد، لذا در این پژوهش، متغیر نظارت درونی، در معنای محدود آن - میزان تقید به انجام واجبات و برخی اعتقادات دینی - به کار رفته است.

فرصت فرهنگی: به گفته چلبی، جوهره اصلی فرهنگ، اندیشه است. به همان اندازه که در جوامع معاصر، پویایی و رشد اقتصادی در بعد سخت‌افزاری برای جامعه مهم و حیاتی است، پویایی و سرزندگی و مولد بودن فرهنگ جامعه نیز در بعد نرم‌افزاری حائز اهمیت بی‌شائبه است. فرصت‌های فرهنگی نیز که یکی از متغیرهای مؤثر بر احتمال کثرتاری است، در این مطالعه، به فرصت‌های آموزشی و فرصت‌های تفریحی - فراغتی که خانواده و مدرسه، برای نوجوان فراهم می‌آورند، تقسیم شده است.

نیاز: در این مطالعه، در بررسی مسئله نیاز، دو نوع نیازهای اجتماعی و نیازهای فرهنگی، انتخاب و میزان پاسخگویی به هر یک از این نیازها در خانواده و مدرسه، به عنوان متغیرهای دخیل در احتمال کثرتاری دختران نوجوان توجه شده است.

معرف‌های میزان پاسخگویی به نیاز اجتماعی، شامل موارد: میزان پاسخگویی به نیاز به تأیید اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه، میزان پاسخگویی به نیاز به تعلق اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه، میزان پاسخگویی به نیاز به حمایت اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه، میزان پاسخگویی به نیاز به رابطه اجتماعی نوجوان در خانواده و مدرسه، میزان پاسخگویی به نیازهای فرهنگی نیز همانند فرصت فرهنگی، به نیازهای آموزشی و نیازهای تفریحی - فراغتی تقسیم شده است.

مدل نظری تحقیق



روش

مطالعه تجربی پژوهش حاضر، پیمایشی است مقطعی. ابزار گردآوری اطلاعات در این پیمایش، پرسشنامه می‌باشد. با توجه به مسئله تحقیق حاضر، واحدهای تحلیل، خانواده و مدرسه هستند و سطح مشاهده، فرد می‌باشد. در این مطالعه، جهت بررسی فرضیه‌ها از پرسشنامه به عنوان ابزاری برای سنجش نقش خانواده و مدرسه در گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر دختران نوجوان استفاده شده است. برای سنجش متغیرها از طیف لیکرت استفاده گردید. در یک پیش‌آزمون ۵۰ نفر در فضای مدرسه و در شرایط طبیعی، به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل یافته‌های پیش‌آزمون، برخی نواقص را در پرسشنامه آشکار ساخت که این نواقص برطرف شدند و بدین ترتیب، پرسشنامه، نهایی شد.

تحلیل عاملی

برای آزمون این‌که آیا شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، روی کدام عامل بار می‌شوند، تحلیل عاملی انجام شد.

بعد فرصت اجتماعی در خانواده: شاخص‌های این بعد، شامل فرصت تعلق اجتماعی، تأیید اجتماعی، حمایت اجتماعی، رابطه اجتماعی و تعهد و عزت نفس می‌باشند.

بعد میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده: این بعد دربرگیرنده شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز به تعلق، تأیید، حمایت، رابطه و تعهد و عزت نفس می‌باشد.

بعد فرصت اجتماعی در مدرسه: شاخص‌های این بعد عبارتند از: فرصت تعلق اجتماعی، تأیید اجتماعی، حمایت اجتماعی، رابطه اجتماعی، تعهد و عزت نفس.

بعد میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در مدرسه: شاخص‌های این بعد از نیاز شامل میزان پاسخ به نیاز به تعلق، نیاز به تأیید، نیاز به حمایت، نیاز به رابطه، تعهد و عزت نفس می‌شود. تحلیل عاملی این شاخص‌ها و تشکیل دو بعد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه، در جدول صفحه بعد آمده است.

جدول ۱: تحلیل عاملی ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه

Component Matrix		بعد فرصت اجتماعی
مدرسه	خانواده	شاخص‌ها
۰/۷۶۴	۰/۸۱۰	تعلق اجتماعی
۰/۷۵۸	۰/۷۰۰	تأیید اجتماعی
۰/۶۱۱	۰/۷۹۸	حمایت اجتماعی
۰/۷۱۳	۰/۷۳۵	رابطه اجتماعی
۰/۴۹۹	۰/۵۳۷	تعهد
۰/۴۱۴	۰/۷۸۴	عزت نفس
		بعد میزان پاسخ به نیاز اجتماعی
		شاخص‌ها
۰/۷۱۰	۰/۷۸۷	نیاز به تعلق اجتماعی
۰/۷۶۴	۰/۶۵۲	نیاز به تأیید اجتماعی
۰/۷۱۹	۰/۷۶۵	نیاز به حمایت اجتماعی
۰/۶۸۲	۰/۷۲۷	نیاز به رابطه اجتماعی
۰/۵۶۴	۰/۵۶۶	تعهد
۰/۵۰۷	۰/۵۳۸	عزت نفس

روایی و پایایی

در این پژوهش، ابتدا از نظرات کارشناسانه یکی از اساتید گروه علوم اجتماعی جهت تنظیم سؤالاتی که بتواند متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را به خوبی آزمون کند، استفاده گردید؛ همچنین با سه تن از دانشجویان دکترا، با هدف کسب تجارب ایشان در طراحی پرسشنامه و تنظیم پرسشنامه‌ای حائز ویژگی‌های فوق، گفتگو به عمل آمد. از سه تن از دانشجویان کارشناسی ارشد نیز، راهنمایی‌های ارزنده‌ای کسب شد.

همچنین از ضریب آلفای کرونباخ برای محاسبه پایایی گویه‌های پرسشنامه، استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس شدند، حذف گردیدند. برای انتخاب اعضای نمونه در تهران، در وهله اول، تعداد کل دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر تهران با استفاده از آمارهای سازمان کل آموزش و پرورش تهران، استخراج شد. تعداد کل دانش‌آموزان دختر دبیرستانی مناطق ۱۹ گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۶-۸۷، ۱۷۴۹۲۲ نفر گزارش شده‌اند. در وهله دوم بر اساس مناطق نوزده‌گانه شهرداری، شهر به ۵ قسمت شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم گردید؛ و در هر یک از این بخش‌ها، یک منطقه به عنوان نمونه انتخاب شد. برای بخش شمالی شهر تهران، منطقه ۱؛ در بخش غربی شهر، منطقه ۵؛ در شرق، منطقه ۴؛ مرکز شهر، منطقه ۱۲ و برای بخش جنوبی شهر، منطقه ۱۶ برگزیده شد؛ و سپس در هر منطقه، دو دبیرستان برای اجرای پرسشنامه‌ها

انتخاب شدند. بنابراین در مجموع، پرسشنامه‌ها در ۱۰ مدرسه از ۵ منطقه منتخب، به اجرا درآمد. در مرحله بعد، تعداد دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در حال تحصیل در هر یک از مناطق منتخب، استخراج شدند.

برای تعیین حجم نمونه مناسب، از روش نمونه‌گیری کوکران استفاده گردید. در کل در میان ۴۲۶ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در حال تحصیل در مناطق ۱۹ گانه شهر تهران، پرسشنامه به اجرا درآمد. لازم به ذکر است که سهم نمونه در هر یک از مناطق منتخب، به دلیل تفاوت در وسعت حوزه تحت پوشش هر منطقه یا تفاوت در حجم جمعیت هر منطقه، متفاوت می‌باشد.

یافته‌ها

تحلیل‌های تک‌متغیری

متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته نهایی در این تحقیق گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر می‌باشند. این متغیرها با استفاده از ۱۳ گویه، سنجیده شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که بیشترین درصد پاسخگویان متمایل به کژرفتاری جنسی، در بازه ۵۰-۲۵ قرار دارند؛ یعنی بیش از ۳۸ درصد پاسخگویان، گرایش کمی به کژرفتاری جنسی نشان داده‌اند. در ۲۹ درصد پاسخگویان نیز، گرایش زیاد به رفتارهای نادرست جنسی مشاهده می‌شود. تنها در ۱۲/۷ درصد از آن‌ها، تمایل بسیار زیاد به کژرفتاری جنسی گزارش شده است. میانگین این متغیر، ۴۶/۵۳ و انحراف معیار آن، ۲۳/۳۷ می‌باشد. هم‌چنین در متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر، بیشترین میزان، مربوط به بازه ۵۰-۲۵ است. بدین معنا که بیش از ۴۶ درصد از پاسخگویان، تمایل کمی به اعتیاد به مواد مخدر نشان داده‌اند؛ و تنها ۹/۴ درصد از پاسخگویان، در بازه ۱۰۰-۷۵ قرار گرفته‌اند؛ یعنی ۹/۵ درصد پاسخگویان، گرایش خیلی زیادی به استعمال سیگار و مواد مخدر دارند. انحراف معیار این متغیر ۲۲/۵۶ می‌باشد.

متغیرهای مستقل

فرصت اجتماعی - روابط اولیه: چلبی می‌گوید روابط اولیه یکی از مهم‌ترین فرصت‌های اجتماعی برای فردند. همان‌طور که در بخش چارچوب نظری بدان اشاره شد، معرفت‌های روابط اولیه عبارتند از: تعلق، حمایت، رابطه و تأیید. از ترکیب این چهار شاخص، متغیر روابط اولیه ساخته شده است. تقریباً ۵۲ درصد پاسخگویان، از جهت داشتن روابط سالم با خانواده که نشأت گرفته از دلبستگی و تعلق خاطر به خانواده، حمایت از جانب خانواده و مورد تأیید خانواده بودن است، با خانواده‌اشان، رابطه‌ای محکم و پایدار دارند. ۴۷/۷ درصد دانش‌آموزان دختر نوجوان گزارش داده‌اند که روابط اولیه ضعیفی با مدرسه دارند. میانگین روابط اولیه خانواده، ۶۲/۱۵ و میانگین روابط اولیه مدرسه، ۴۵/۶۵ می‌باشد.

فرصت سیاسی: همان‌طور که در بخش ادبیات نظری، چارچوب تئوریک و فرضیات تحقیق مطرح شد، منظور از فرصت سیاسی در این پژوهش، نظارت بیرونی خانواده و مدرسه و میزان تأثیر آن بر متغیرهای وابسته تحقیق می‌باشد. چنان‌که نتایج این بررسی نشان می‌دهد ۵۲/۸ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که خانواده‌اشان بر رفتار و عملکرد آن‌ها نظارت بسیار زیادی دارند؛ ۳۷ درصد پاسخگویان نیز گفته‌اند خانواده به میزان زیادی نظارت خود را بر آن‌ها اعمال می‌کند. مثلاً در پاسخ به گویه «وقتی در خانه نیستم، والدینم می‌دانند کجا و با چه کسی هستم»، ۶۲/۵ درصد پاسخگویان، گزینه کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند و این نشان دهنده نظارت بیرونی بالای خانواده بر دختران نوجوان می‌باشد. میانگین نظارت بیرونی خانواده بر نوجوان، ۷۶/۱۴ و انحراف معیار آن، ۲۱/۰۸ می‌باشد. نظارت بیرونی مدرسه در مقایسه با نظارت بیرونی خانواده، کمتر، و نتایج داده‌های استخراج شده نشان می‌دهد ۲۹٪ دانش‌آموزان، نظارت کم مدرسه بر آن‌ها را گزارش داده‌اند.

فرصت فرهنگی: یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق، فرصت فرهنگی می‌باشد و در این مطالعه، منظور از آن، میزان فرصت‌ها و امکانات آموزشی و تفریحی است که خانواده‌ها و مدارس برای دختران نوجوان فراهم می‌آورند. نتایج نشان می‌دهند، ۴۱ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند خانواده به میزان زیادی امکانات و تسهیلات آموزشی و تفریحی را برای نوجوانان تأمین می‌نمایند. به گفته ۴۵/۸ درصد پاسخگویان، مدرسه، فرصت‌های فرهنگی کمی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد.

فرصت مادی: فرصت‌های مادی (ابزارهای مادی - معیشتی) خانواده نیز می‌تواند به عنوان یک متغیر بسیار مهم و اثرگذار بر کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر در بین دختران نوجوان باشد؛ بنا به گفته چلبی فرصت‌های مادی، ارتباط بازدارنده‌ای با کژرفتاری دارند. بر اساس نتایج به دست آمده، ۵۱ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند از فرصت‌های مادی به میزان کمی بهره‌مند هستند؛ تنها تقریباً ۱۱ درصد پاسخگویان از فرصت‌های مادی بسیار بالایی برخوردارند.

نظارت درونی: نظارت درونی، که در حوزه فرصت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، یکی از متغیرهای مهم اثرگذار بر گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر در بین دختران نوجوان می‌باشد. ۴۵ درصد از پاسخگویان گزارش داده‌اند که نظارت درونی آن‌ها در حد زیادی می‌باشد، یعنی تقید به واجبات دینی، و برخی مسائل اخلاقی برایشان اهمیت دارد. میانگین این متغیر، ۶۶/۸۳ و انحراف معیار آن ۱۶/۸۸ می‌باشد.

میزان پاسخگویی به نیاز اجتماعی: نتایجی که از بررسی این متغیر نیز به دست آمد، حاکی از آن است که سهم خانواده در پاسخگویی به نیاز اجتماعی دختران نوجوان، بیشتر از مدرسه است. ۴۴ درصد از پاسخگویان، گزارش داده‌اند خانواده تأمین‌کننده نیازهای اجتماعی آنان در سطح زیاد می‌باشد؛ و ۴۴/۴ درصد آن‌ها معتقدند نیازهای اجتماعی‌اشان در سطح پایینی توسط مدرسه تأمین می‌شود. در مجموع ۶۲ درصد از دختران نوجوان اظهار داشته‌اند نیازهای اجتماعی‌اشان، توسط خانواده و در سطح زیاد و خیلی زیاد برآورده می‌شود.

میزان پاسخگویی به نیاز فرهنگی: نتایج نشان می‌دهند که به گفته ۳۷ درصد از پاسخگویان، نیازهای فرهنگی آنان در حد زیادی در خانواده پاسخ داده می‌شود و نیمی از پاسخگویان گزارش داده‌اند که مدرسه سهم بسیار کمی در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی آنان داشته است.

تحلیل‌های دو متغیری

ماتریس ضرایب همبستگی شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و متغیرهای وابسته تحقیق

نتایج این ماتریس نشان می‌دهد رابطه دو به دو بین گرایش به کژرفتاری جنسی و تمامی شاخص‌های متغیر فرصت اجتماعی و شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، به صورت معکوس بوده و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. این روابط به لحاظ نظری نیز قابل پیش‌بینی بوده و مدل نظری تحقیق را تأیید می‌کنند. شاخصی که بالاترین ضریب همبستگی با گرایش به کژرفتاری جنسی را داراست، شاخص عزت نفس می‌باشد (۰/۵۱۹-) که در سطح خطای ۰/۰۱ رابطه معکوس و معنادار با متغیر وابسته مورد نظر نشان می‌دهد. همچنین متغیر وابسته گرایش به اعتیاد به مواد مخدر، با شاخص‌های تعلق به خانواده، رابطه اجتماعی با خانواده، تعهد نسبت به خانواده، عزت نفس در خانواده، میزان پاسخ به نیاز به تعلق و رابطه در خانواده، رابطه معکوس و معناداری دارد. بیشترین ضریب همبستگی، مربوط به همبستگی میان شاخص عزت نفس و گرایش به اعتیاد به مواد مخدر می‌باشد. بنابراین شاخص عزت نفس با هر دو متغیر وابسته، قوی‌ترین رابطه همبستگی را دارا می‌باشد.

ماتریس ضرایب همبستگی شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در مدرسه و متغیرهای وابسته تحقیق

در بررسی ضرایب همبستگی متغیرهای گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر و شاخص‌ها و متغیرهای فرصت و میزان پاسخ به نیاز در مدرسه، تمامی شاخص‌های مدرسه - به استثناء عزت نفس در مدرسه و میزان پاسخ به نیاز حمایت در مدرسه - رابطه معکوس و معناداری را

نشان می‌دهند. تعلق اجتماعی نسبت به مدرسه، در سطح خطای ۰/۰۱ بیشترین رابطه همبستگی با گرایش به کژرفتاری جنسی (۰/۴۸۳-) و میزان پاسخ به نیاز به رابطه در مدرسه، کمترین ضریب همبستگی را داراست. هم‌چنین از میان شاخص‌های ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، شاخص میزان پاسخ به نیاز به تعلق در مدرسه، با ضریب همبستگی ۰/۲۲۱- در سطح خطای ۰/۰۱، رابطه معکوس و معناداری را با گرایش به اعتیاد به مواد مخدر نشان می‌دهد؛ و پس از آن شاخص تعلق اجتماعی به مدرسه، بالاترین رابطه همبستگی با متغیر وابسته مورد نظر را دارا می‌باشد (۰/۲۰۷-).

ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و متغیرهای وابسته تحقیق با تأکید بر خانواده

در این بخش، رابطه همبستگی بین ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و متغیرهای وابسته، در کانون خانواده مورد بررسی قرار گرفته‌است. گرایش به کژرفتاری جنسی با تمامی متغیرهای فرصت و نیاز - به استثناء فرصت فرهنگی - در سطح خطای ۰/۰۱ رابطه معکوس قوی را نشان می‌دهد. بالاترین ضریب همبستگی کژرفتاری جنسی با متغیر نظارت درونی به میزان ۰/۴۶۷- می‌باشد. متغیر وابسته گرایش به اعتیاد به مواد مخدر، نیز با متغیرهای مستقل فرصت و نیاز - به استثناء فرصت فرهنگی - دارای چنین رابطه‌ای است. از این نتایج، می‌توان چنین استدلال نمود که با افزایش میزان فرصت‌های مورد بررسی در این پژوهش، یا افزایش میزان پاسخ به نیازهای اجتماعی و فرهنگی، گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر، کاهش می‌یابد. این نکته، با مدل نظری تحقیق، همخوانی دارد. هم‌چنین متغیر نظارت درونی، بیشترین رابطه همبستگی با هر دو متغیر وابسته تحقیق را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که هر چه نظارت درونی نوجوان بر خویش، بیشتر باشد، احتمال گرایش وی به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر کمتر می‌شود. پس از آن، متغیر میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده، بالاترین ضریب همبستگی با هر دو متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر در سطح خطای ۰/۰۱ را داراست.

ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و متغیرهای وابسته تحقیق با تأکید بر مدرسه

در این مدل، ماتریس ضرایب همبستگی ابعاد فرصت و میزان پاسخگویی به نیاز و گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر دختران نوجوان با تأکید بر مدرسه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی با تمامی متغیرهای فرصت و نیاز، رابطه معکوس قوی در سطح خطای ۰/۰۱ دارد و تنها با میزان پاسخ به نیاز فرهنگی در مدرسه،

رابطه معناداری ندارد. از بین متغیرهای وارد شده در این مدل، ابتدا متغیر نظارت درونی و پس از آن متغیر میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، دارای بالاترین ضریب همبستگی، به ترتیب ۰/۴۶۷- و ۰/۳۵۹- با متغیر وابسته گرایش به کژرفتاری جنسی را دارند. هم‌چنین بین متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر با متغیرهای نظارت درونی، میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در مدرسه و فرصت اجتماعی در مدرسه، رابطه معکوس و معناداری دیده می‌شود. رابطه دو به دوی تمام متغیرهای اساسی فرصت و نیاز در مدرسه، مثبت و در سطح خطای ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

تحلیل‌های چند متغیری

رگرسیون گرایش به کژرفتاری جنسی بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی به تفکیک خانواده و مدرسه

در این پژوهش، به منظور تعیین متغیرهایی که صلاحیت حضور در مدل را دارند و هم‌چنین حذف متغیرهای کم اثر، از روش رگرسیون گام به گام (استپ وایز)، استفاده شد. نتایج حاصل از این روش و مهم‌ترین متغیرهایی که در مدل مذکور وارد شده‌اند، به تفکیک خانواده و مدرسه، بدین صورت گزارش می‌شوند:

یافته‌ها حاکی از آن است که اولین متغیر مربوط به کانون خانواده که در روش استپ وایز وارد شده است، متغیر میزان پاسخ به نیاز اجتماعی می‌باشد (بتا= ۰/۴۷۲). پس از آن متغیر نظارت درونی و متغیر فرصت اجتماعی وارد شده‌اند که به لحاظ آماری نیز معنادار می‌باشند. نتایج تحلیل واریانس ($F= ۲۴/۸۱۷$) نیز نشان می‌دهند نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیرهای مستقل به تغییرات ناشی از عوامل غیر از آن (خطا)، قابل توجه و به لحاظ آماری معنادار می‌باشند. هم‌چنین ضریب تعیین که بیانگر درصد تغییرات متغیر وابسته است، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده، نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای مستقل مربوط به خانواده، سهم متوسطی در تبیین متغیر وابسته ایفا می‌کنند.

در ادامه، به منظور تعیین سهم خالص هر کدام از مؤلفه‌های تشکیل دهنده بعد فرصت اجتماعی و بعد میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، رگرسیون متغیرهای وابسته تحقیق با تمامی مؤلفه‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی نیز، به تفکیک در خانواده و مدرسه، محاسبه شد. شاخص‌هایی که سهم اثر خالص آن در تبیین متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی، قابل ملاحظه و به لحاظ آماری معنادار می‌باشند، شاخص عزت نفس در خانواده (بتا= ۰/۳۸۵-) و بعد از آن، متغیرهای نیاز به تعلق، فرصت حمایت، نیاز به رابطه و نیاز به حمایت، سهم خالص قابل توجهی بر تغییرات متغیر وابسته مذکور دارند.

جدول ۲: رگرسیون گرایش به کژرفتاری جنسی بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی به تفکیک خانواده و مدرسه

با استفاده از روش استپ‌وایز

خانواده		متغیرها	Beta	t	Sig	R	R Square
ابعاد	استپ وایز	ثابت	۲/۲۸۸	-۹۳/۰۴۱	۰/۰۰۰	۰/۶۱۷	۰/۳۸۱
		میزان پاسخ به نیاز اجتماعی	-۰/۴۷۲	-۵/۷۰۹	۰/۰۰۰		
		نظارت درونی	-۰/۲۸۷	-۵/۶۴۳	۰/۰۰۰	F	۲۴/۸۱۷
		فرصت اجتماعی	-۰/۲۲۱	-۲/۸۱۹	۰/۰۰۵	Sig	۰/۰۰۰
		فرصت فرهنگی	۰/۱۴۸	۳/۱۸۲	۰/۰۰۲		
شاخص‌ها	استپ وایز	فرصت مادی	-۰/۱۰۱	-۲/۲۴۱	۰/۰۲۶		
		عزت نفس	-۰/۳۸۵	-۷/۸۱۰	۰/۰۰۰		
		نیاز به تعلق	-۰/۳۲۱	-۵/۵۶۸	۰/۰۰۰		
		فرصت حمایت	-۰/۲۸۳	-۳/۹۹۸	۰/۰۰۰		
		نیاز به رابطه	-۰/۱۹۴	-۳/۲۶۴	۰/۰۰۱		
		نیاز به حمایت	-۰/۱۴۹	-۲/۱۹۹	۰/۰۲۸		
مدرسه							
ابعاد	استپ وایز	فرصت سیاسی	-۰/۲۶۸	-۵/۸۱۳	۰/۰۰۰		
		فرصت اجتماعی	-۰/۲۷۴	-۵/۹۳۲	۰/۰۰۰		
		فرصت تعلق	-۰/۲۷۹	-۳/۲۶۰	۰/۰۰۱		
شاخص‌ها	استپ وایز	نیاز به تعلق	-۰/۱۹۳	-۲/۳۷۶	۰/۰۱۸		
		نیاز به تأیید	-۰/۱۵۰	-۲/۹۰۲	۰/۰۰۴		
		نیاز به رابطه	-۰/۱۲۴	-۲/۶۳۲	۰/۰۰۹		

هم‌چنین نتایج حاصل از رگرسیون گرایش به کژرفتاری جنسی بر اساس ابعاد و شاخص‌های فرصت و میزان پاسخ به نیاز در مدرسه، نشان می‌دهند از میان متغیرهای مستقل مربوط به مدرسه - متغیرهایی که در این روش رگرسیونی، وارد شده و سهم اثرگذاری قابل توجهی دارند - متغیر فرصت اجتماعی در مدرسه، بیشترین اثر خالص (بتا = -۰/۲۷۴) را بر گرایش به کژرفتاری جنسی دارا می‌باشد. از بین ۵ متغیری که در مدل نظری تحقیق، به عنوان متغیرهای اثرگذار مدرسه بر گرایش به کژرفتاری جنسی، مطرح شدند، دو متغیر فرصت سیاسی و فرصت اجتماعی، به دلیل داشتن سهم اثر بیشتر بر متغیر وابسته مذکور، مورد قبول قرار گرفته و وارد مدل شده‌اند. هم‌چنین شاخصی که بیشترین اثر خالص را بر متغیر وابسته کژرفتاری جنسی دارد، شاخص فرصت تعلق در مدرسه است (بتا = -۰/۲۷۹) که به لحاظ آماری نیز معنادار می‌باشد. پس از آن، شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز به

تعلق، نیاز به تأیید و نیاز به رابطه، سهم خالص قابل توجهی در تغییرات متغیر وابسته گرایش به کژرفتاری جنسی دارا می‌باشند.

رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی به تفکیک خانواده و مدرسه

نتایج حاصل از رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی به تفکیک خانواده و مدرسه نشان می‌دهند از بین متغیرهای مستقل مفروض اثرگذار در خانواده بر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر، متغیرهای نظارت درونی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، پذیرفته شده و وارد مدل گشته‌اند؛ بدین معنا که این متغیرها، بیشترین اثر خالص را بر گرایش دختران نوجوان به اعتیاد به مواد مخدر دارند. سایر متغیرهای مستقل، سهم ناچیزی در تغییرات متغیر وابسته گرایش به اعتیاد به مواد مخدر داشته‌اند؛ لذا از ذکر آن‌ها صرف‌نظر شده است. هم‌چنین ضریب تعیین به دست آمده (۰/۱۲)، نشان می‌دهد متغیرهای مستقل تحقیق، مجموعاً سهم نسبتاً کمی در تبیین متغیر وابسته مورد نظر دارند. نتایج تحلیل واریانس ($F=20/344$)، نیز نشان می‌دهند نسبت تغییرات توضیح داده شده توسط متغیرهای مستقل به تغییرات ناشی از عوامل غیر از آن (خطا) قابل توجه و به لحاظ آماری معنادار می‌باشند. از میان شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده، شاخص عزت نفس (بتا = $-0/187$) که یک فاکتور معرف مشترک در ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی است، بیشترین اثر خالص را در تغییرات متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر دارد؛ بدین معنا که به هر میزان که عزت نفس نوجوان افزایش یابد - که آن هم وابسته به میزان تأیید وی در میان اعضای خانواده می‌باشد - می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده از گرایش نوجوان به اعتیاد به مواد مخدر عمل کند. هم‌چنین شاخص نیاز به تعلق نیز، سهم خالص نسبتاً بالایی در تغییرات متغیر وابسته مورد بررسی دارا می‌باشد (بتا = $-0/159$).

هم‌چنین نتایج حاصل از رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز در مدرسه، نشان می‌دهند با استفاده از روش استپ وایز، متغیر نظارت درونی فرد، بیشترین اثر خالص را در تغییرات متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر دارد (بتا = $-0/260$) و پس از آن، بعد فرصت فرهنگی در مدرسه، بالاترین سهم اثر را بر متغیر وابسته مذکور دارا می‌باشد. سایر متغیرهای مستقل، سهم نسبتاً ناچیزی در تغییرات متغیر وابسته مذکور دارند. رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی مربوط به مدرسه نیز نشان می‌دهد شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز به تعلق (بتا = $-0/261$) و فرصت حمایت

بتا= ۰/۱۲۶-) است که سهم قابل ملاحظه‌ای بر تغییرات متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر دارا می‌باشند.

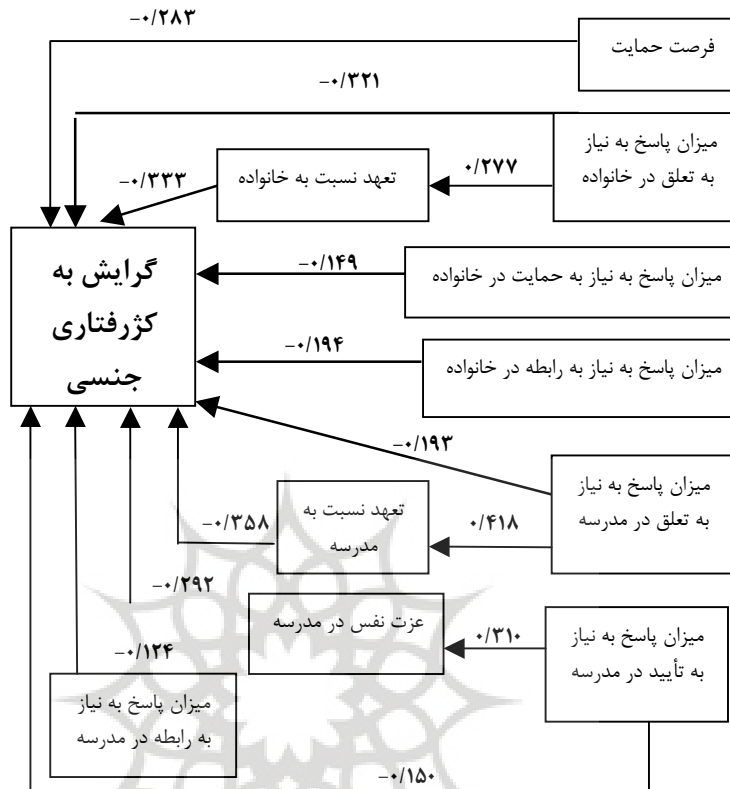
جدول ۳: نتایج رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس ابعاد فرصت و میزان پاسخ به نیاز و شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی به تفکیک خانواده و مدرسه با استفاده از روش استپ‌وایز

خانواده	متغیرها	Beta	t	Sig	R	R Square
استپ وایز	ثابت	-۰/۲۷۲	-۵/۰۹۸	۰/۰۰۰	۰/۳۴۷	۰/۱۲۰
	نظارت درونی	-۰/۲۲۶	-۴/۷۵۵	۰/۰۰۰		
	میزان پاسخ به نیاز اجتماعی	-۰/۱۷۹	-۳/۷۷۲	۰/۰۰۰	F	۲۰/۳۴۴
شاخص‌ها	عزت‌نفس	-۰/۱۸۷	-۳/۵۰۸	۰/۰۰۱	Sig	۰/۰۰۰
	نیاز به تعلق	-۰/۱۵۹	-۳/۲۲۶	۰/۰۰۱		
مدرسه						
استپ وایز	میزان پاسخ به نیاز اجتماعی	-۰/۱۷۷	-۳/۴۲۸	۰/۰۰۱		
	فرصت فرهنگی	-۰/۱۰۸	-۲/۰۸۷	۰/۰۳۷		
	نیاز به تعلق	-۰/۲۶۱	-۵/۲۷۸	۰/۰۰۰		
	فرصت حمایت	-۰/۱۲۶	-۲/۵۴۸	۰/۰۱۱		

تحلیل مسیر

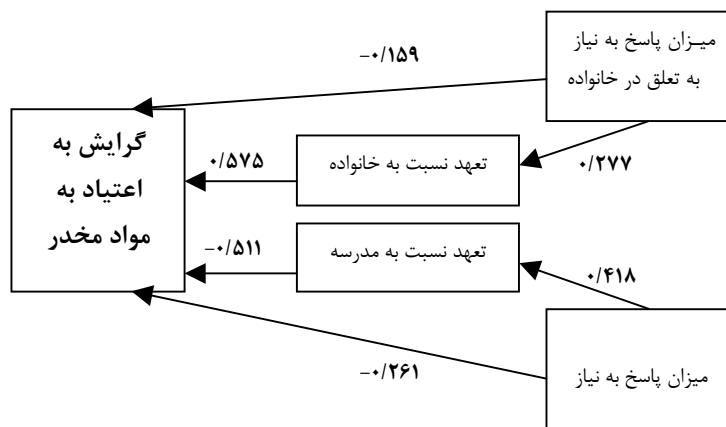
همان‌طور که گفته شد، دو بعد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، از ترکیب چهار مؤلفه تعلق، تأیید، حمایت و رابطه تشکیل شده‌اند که هم عناصر متشکله و هم عوامل مقوم دو بعد مذکور می‌باشند. بدین معنا که در حالت کلی، هر یک از این شاخص‌ها، به تنهایی می‌توانند بر افزایش یا کاهش ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی، اثرگذار باشند. با توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق، سعی بر آن شد تا مکانیزم‌های اثر هر یک از این شاخص‌ها نیز مورد بررسی قرار گیرد و ضرایب اثر غیرمستقیم آن‌ها بر متغیرهای وابسته تحقیق، شناسایی شود؛ لذا دیگرام مسیر شاخص‌ها و ابعاد فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه بر هر یک از متغیرهای وابسته گرایش به کز رفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر، به تفکیک، ارائه شده است.

دیاگرام مسیر شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه بر گرایش به کژرفتاری جنسی



ضرایب مسیر مشاهده‌شده، که سهم اثر برخی از شاخص‌های متغیرهای مستقل فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه بر متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی می‌باشند، نشان می‌دهند ضرایب اثر مستقیم هر یک از شاخص‌های حمایت، میزان پاسخ به نیاز به تعلق، میزان پاسخ به نیاز به حمایت و میزان پاسخ به نیاز به رابطه در کانون خانواده، بر گرایش به کژرفتاری جنسی، در سطوح خطای پایینی معنادار می‌باشند؛ یعنی با افزایش هر یک از این شاخص‌ها و به دنبال آن افزایش فرصت‌های اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده، گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی، کاهش می‌یابد. بنابراین این شاخص‌ها و ابعاد، اثر بازدارندگی بر گرایش به کژرفتاری جنسی دارند؛ و به‌طور کلی، این یافته‌های آماری، پیش‌بینی‌های نظری تحقیق را تأیید می‌کنند.

دیاگرام مسیر شاخص‌های فرصت اجتماعی و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده و مدرسه بر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر



ضرایب مسیر مشاهده شده که سهم اثر شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز اجتماعی را به تفکیک در خانواده و مدرسه نشان می‌دهند، بیان‌کننده اثر مستقیم این شاخص‌ها در سطح خطای $0/05$ معنادار می‌باشند، که این اثرات نسبتاً قابل ملاحظه هستند.

بحث

نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره متغیرهای گرایش به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر بر اساس متغیرهای اصلی تحقیق، نشان می‌دهند در کانون خانواده، متغیری که بیشترین سهم خالص را در تغییرات متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی دارد، میزان پاسخ به نیاز اجتماعی نوجوان (بتا = $-0/472$) می‌باشد. بدین معنا، به میزانی که نیازهای اجتماعی نوجوان در کانون خانواده، بیشتر پاسخ داده شود، به همان میزان از گرایش وی به کژرفتاری جنسی کاسته می‌شود. فرصت‌های اجتماعی که برای دختران نوجوان در خانواده وجود دارد نیز از عوامل بازدارنده قوی در گرایش آن‌ها به رفتارهای ناشایست اخلاقی می‌باشد. شاخص عزت نفس که نتیجه تأیید اجتماعی فرد در گروه می‌باشد از شاخص‌هایی است که سهم نسبی قابل توجهی بر تغییرات متغیر وابسته گرایش به کژرفتاری جنسی نشان می‌دهد (بتا = $0/385$)؛ یعنی به میزانی که نوجوان در خانواده مورد تأیید قرار گیرد و عزت نفس وی افزایش یابد، به همان میزان از گرایش وی به سمت کژرفتاری جنسی، کاسته می‌شود.

شاخص‌های میزان پاسخگویی به نیاز به تعلق دختران نوجوان در کانون خانواده و نیز میزان حمایت‌های اجتماعی که از سوی خانواده برای قشر مورد بررسی فراهم می‌شود نیز از عوامل مؤثر در کاهش یا افزایش گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی می‌باشد. نتایج تحلیل رگرسیون متغیر گرایش به کژرفتاری جنسی بر متغیرهای مستقل مدرسه، نشان داد دو بعد فرصت سیاسی (نظارت بیرونی) مدرسه بر عملکرد دانش‌آموزان دختر نوجوان و فرصت‌های اجتماعی فراهم‌شده برای آن‌ها در مدرسه، سهم بالایی بر گرایش این نوجوانان به کژرفتاری جنسی ایفا می‌کند. این اثر به صورت معکوس عمل می‌کند؛ یعنی هر چه نظارت بیرونی مدرسه بر رفتار و عملکرد دانش‌آموز بیشتر باشد و نیز فرصت‌های اجتماعی که مدرسه برای نوجوان فراهم می‌آورد، افزایش یابد (تأیید دانش‌آموز در مدرسه، حمایت فکری و عاطفی از وی، برقراری رابطه صمیمانه با دانش‌آموز توسط اولیاء آموزشی مدرسه و احساس دلبستگی و تعلق وی نسبت به مدرسه)، احتمال گرایش به کژرفتاری جنسی را در او کاهش می‌دهد. هم‌چنین شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز به تعلق، نیاز به رابطه و نیاز به تأیید در مدرسه، سهم نسبی قابل توجهی در سطح خطای ۰/۰۱ بر تغییرات گرایش به کژرفتاری جنسی نوجوان دارند. این رابطه تأثیر و تأثر به صورت معکوس است؛ یعنی هر چه نیازهای دانش‌آموز به احساس تعلق نسبت به مدرسه، نیاز به رابطه صمیمانه با معلمان و اولیاء آموزشی و نیاز به تأیید وی در مدرسه بیشتر پاسخ داده شود، از احتمال گرایش وی به کژرفتاری جنسی، کاسته می‌شود. متغیرهای مستقل خانواده و مدرسه و شاخص‌های آن‌ها، مجموعاً ۳۷٪ تغییرات متغیر وابسته کژرفتاری جنسی را تبیین می‌کنند.

در ارتباط با متغیر وابسته دوم (گرایش به اعتیاد به مواد مخدر) متغیری که بیشترین تأثیر را بر تغییرات متغیر وابسته مذکور دارد، و با استفاده از روش‌های رگرسیونی استپ‌وایز، در مدل وارد شده است، نظارت درونی پاسخگو بر خویش می‌باشد؛ یعنی به هر میزان که نظارت درونی نوجوان بر خویش بیشتر باشد، احتمال گرایش وی به اعتیاد به مواد مخدر کم‌تر می‌شود. هم‌چنین میزان پاسخگویی خانواده به نیازهای اجتماعی دختران نوجوان نیز اثر معکوس بر گرایش آن‌ها به اعتیاد به مواد مخدر دارد. از میان شاخص‌های مربوط به متغیرهای فرصت و میزان پاسخ به نیاز اجتماعی در خانواده، شاخص‌های عزت نفس، و میزان پاسخ به نیاز به تعلق نوجوان در خانواده، سهم خالص قابل توجهی بر گرایش وی به اعتیاد به مواد مخدر دارند. رگرسیون گرایش به اعتیاد به مواد مخدر بر اساس متغیرهای مستقل دخیل در مدرسه، نشان می‌دهد میزان پاسخگویی به نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان دختر نوجوان در مدرسه، اثر معکوس بر گرایش آن‌ها به اعتیاد به مواد مخدر دارد. هم‌چنین شاخص‌های میزان پاسخ به نیاز به تعلق دانش‌آموز و فرصت حمایت فکری و عاطفی وی در مدرسه، اثر معکوس بر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر دارد. در مجموع، هر چه فرصت‌های حمایتی برای نوجوان - توسط اولیاء آموزشی مدرسه - بیشتر فراهم باشد و نیز دانش‌آموز دلبستگی

و تعلق بیشتری نسبت به محیط مدرسه و کادر آموزشی آن داشته باشد، میزان گرایش وی به اعتیاد به مواد مخدر کم‌تر می‌شود. به‌طور کلی متغیرهای مستقل مورد بررسی در این پژوهش، ۰/۱۲ از تغییرات متغیر گرایش به اعتیاد به مواد مخدر را تبیین می‌کنند.

مقایسه نتایج در خانواده و مدرسه

در بررسی نتایج حاصل از روابط همبستگی و تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل تحقیق با گرایش به اعتیاد به مواد مخدر دختران نوجوان، آن‌چه بیش از همه جلوه‌نمایی می‌کند و اثر قابل ملاحظه‌ای بر متغیر وابسته موردنظر دارد، در کانون خانواده، نحوه و کیفیت پاسخگویی والدین به نیازهای اجتماعی نوجوان می‌باشد. مدرسه نیز به عنوان یکی از نهادهای مورد مطالعه، از طریق فرصت‌های آموزشی و تفریحی- فراغتی که در فضای آن برای دانش‌آموزان نوجوان فراهم می‌شود و نیز میزان پاسخگویی به نیازهای اجتماعی دانش‌آموزان، به نحو مؤثری بر گرایش آنان به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر، ایفای نقش می‌نماید.

در مجموع، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که فاکتوری که هم در خانواده و هم در مدرسه، مشترک بوده و به چشم می‌خورد، و بر گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی و اعتیاد به مواد مخدر، بسیار اثرگذار و حائز اهمیت است، میزان پاسخگویی خانواده‌ها و مدارس به نیازهای اجتماعی دختران نوجوان می‌باشد. هم‌چنین بعد فرصت اجتماعی نیز از عوامل مشترک اثرگذار در خانواده و مدرسه، بر گرایش دختران نوجوان به کژرفتاری جنسی است. اما بعد فرصت سیاسی، اثر قوی و حائز اهمیت خود را تنها در نهاد مدرسه، به نمایش گذاشته است. هم‌چنین فرصت‌های فرهنگی در اختیار نوجوانان در مدرسه، اثر بازدارندگی قابل ملاحظه‌ای بر گرایش قشر مورد بررسی به اعتیاد به مواد مخدر دارا می‌باشند.

منابع

- احمدی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: انتشارات سمت.
- افشنگ، ج. (۱۳۸۱). تأثیر خانواده بر رشد شخصیت کودکان. *نشریه علوم تربیتی*، ۲، ۶۷-۷۵.
- اوپنهایم، ا. ن. (۱۳۶۹). *طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها (ترجمه م. کریم نیا)*. مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- بیرو، آ. (۱۳۶۷). *فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه ب. ساروخانی)*. تهران: انتشارات کیهان.
- ترنر، ج. ه. (۱۳۷۸). *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی (ترجمه م. فولادی و م. ع. بختیاری)*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جلیلی صالح، ص. (۱۳۸۱). *عوامل مؤثر بر پیشگیری از ارتکاب جرم در بین جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- چلبی، م. (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- چلبی، م. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی نظم* (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
- چلبی، م. (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی.
- دالبرگ، ل.، سوزان، م.، و بهرنز، ک. (۱۳۷۸). *سنجش عناصر شخصیتی نوجوانان و جوانان* (ترجمه ا. کرمی و ا. درودی). تهران: مرکز نشر روان‌سنجی.
- رفیعیپور، ف. (۱۳۷۴). *کند و کاوها و پندشته‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیعیپور، ف. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: انتشارات سروش.
- روانبخش، م. ح. (۱۳۸۵). *خانواده و رفتارهای ناپه‌نچار نوجوانان فصلنامه علمی- پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۲ و ۳، ۱۷۴-۱۴۵.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۵). *درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات کیهان.
- ستاریان، س. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- سختوت، ج. (۱۳۷۶). *زمینه‌یابی ناهنجاری‌های دانش‌آموزان متوسطه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- سرای، ح. (۱۳۷۲). *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۰). *مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی: کتاب اول (ویراست اول)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). *مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی - کتاب اول (ویراست دوم)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدیق سروسناتی، ر. ا. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آن .
- صفوی، ا. ا. (۱۳۷۹). *تئوری‌های انحراف*. تهران: نشر معاصر.
- علیخواه، ف. (۱۳۸۳). *مفاهیم اساسی تحقیق*. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیلد، ج. (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی* (ترجمه غ. ر غفاری و ح. رضایی). تهران: انتشارات کویر.
- فرجاد، م. ح. (۱۳۵۸). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- فرجاد، م. ح. (۱۳۵۸). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: دفتر تحقیقات انتشارات بدر.
- فرخی، ج. (۱۳۸۳). *بررسی عوامل مؤثر بر فرار دختران از منزل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- کورتز، ن. (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر آمار در علوم اجتماعی* (ترجمه ح. تیموری). تهران: نشر نی.
- کوزر، ل. ا. (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه‌های بزرگان جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات علمی.
- کوزر، ل. ا. (۱۳۷۸). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی* (ترجمه ف. ارشاد). تهران: نشر نی.
- لطفی، م. (۱۳۸۵). *بررسی بزهکاری نوجوانان در شهر تهران*. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- مجدی، ع. ا. (۱۳۸۱). *بررسی انحرافات اجتماعی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد از سال ۶۳ تا ۸۰ با تکیه بر اطلاعات موجود در پرونده‌های کمیته انضباطی دانشجویان* (گزارش طرح پژوهشی). کتابخانه مرکزی دانشگاه فردوسی، مشهد.
- محمدنبی، م. (۱۳۷۶). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انحرافات زنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محمدی، ز. (۱۳۸۳). *بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۸۰-۱۳۷۰*. تهران: نشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۰). *انحرافات اجتماعی*. شرکت سهامی انتشار.

- مؤمنی، م. (۱۳۸۶). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: انتشارات کتاب نو.
- موسوی بفرودی، س. م. (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نقدی، و. (۱۳۸۵). *بررسی تأثیر سیستم‌های غیر رسمی بر کجروی جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ولد، ج.، برنارد، ت.، و اسنپس، ج. (۱۳۸۰). *جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)* (ترجمه ع. شجاعی). تهران: انتشارات سمت.

- Ardelt, M., & Day, L. (2002). Parents, siblings & peers: Close social relationships & adolescent deviance. *Journal of Early Adolescence*, 310-349 [On-line]. Available: <http://www.sagepublication>
- Aseltine, R. H. (1995). A reconsideration of parental & peer influences on adolescent deviance.; *Journal of Health & Social Behavior*, 103-121[On-line]. Available: <http://www.jstor.org>
- Garcia, J. H. (2001). *Linking theories of deviance to frequency of alcohol consumption among Hispanic collage students at a Southwestern University*. Unpublished masters' thesis, Texas A&M University-Kingsville, Texas.
- Goggin, R. M. (2007). *Rethinking the model of delinquency: An analysis of gender on the individual elements of the social bond*. Unpublished masters' thesis, State University of New York, New York.
- Hoffman, J. P., & Dufur, M. (2001). Family & school capital effects on delinquency: Substitutes or complements?. *Brigham Young University*.
- Jiangmin Xu (2002). *On adolescent deviant behavior*. Unpublished doctoral dissertation, Brigham Young University, Utah.
- Siegel, L. J. (2007). *Criminology: Theories, patterns, & typologies*. Australia: Wadsworth/ Thomson Learning
- Van Gundy-Yoder, A. L. (2007). *Gender, parental attachment, and delinquency: Revisiting Hirschi's social bond theory*. Unpublished doctoral dissertation, University of Cincinnati, North America.
- Wetzel Mccammon, L. (1996). *Women, sexuality & social control: A study in deviance*. Unpublished doctoral dissertation, University of Illinois, Chicago.
- W.Jones, D. (2008). *Understanding Criminal Behavior: Psychosocial approaches to criminality*. Cullompton: Willan.